

تبیین ماهیت ثواب و عقاب براساس علیت و تجسم عمل از دیدگاه علامه جعفری (با تأکید بر شرح نهج البلاغه)

منزه عباس^۱، فاطمه شریف‌فخر^۲

چکیده

ثواب و عقاب یکی از مباحث مهم دینی است که در کلام، فلسفه، عرفان، اخلاق، تفسیر، فقه و اصول فقه مطرح می‌شود و اهداف و آثار خاصی در زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد. در مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای و باشیوه توصیفی-تحلیلی، ماهیت و چیستی ثواب و عقاب از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری با تکیه بر کتاب شرح نهج البلاغه بررسی شد و به این سؤال که ثواب و عقاب چیست و رابطه بین عمل و ثواب و عقاب چگونه است، پاسخ داده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت ثواب و عقاب را با دو مفهوم می‌توان تبیین کرد: وجود رابطه علی و معلولی بین عمل انسان و ثواب و عقاب؛ تجسم اعمال در قالب مجسم شدن همه اعمال انسان در دنیا، در درون انسان و گاهی در بیرون و مجسم شدن همه آنها در آخرت و قیامت.

واژگان کلیدی: ثواب، عقاب، علامه جعفری، شرح نهج البلاغه، علت و

معلول، تجسم اعمال.

۱. دانش‌پژوه دکتری کلام اسلامی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

بحث ثواب و عقاب از مباحث مهم و عمیق مطرح شده در آموزه‌های اسلامی است. ثواب و عقاب بر اعمال در قرآن که اولین و محکم‌ترین متن دینی در اسلام است، مطرح شده و قرآن به این مسئله تأکید بسیاری کرده است. کلمه عقاب و مشتقات آن ۳۴۹ بار و کلمه ثواب و مشتقات آن ۱۹۱ بار در قرآن آمده است. این موضوع در کلام اسلامی، فلسفه، عرفان، فقه و اصول فقه نیز مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. بنابراین، دانستن ماهیت ثواب و عقاب، بررسی آن را باتکیه بر دیدگاه علامه جعفری ضروری کرده است. علامه جعفری یکی از شخصیت‌های برجسته معاصر شیعه (قرن چهاردهم شمسی متوفی ۱۳۷۷) است که در فلسفه، عرفان، معارف اسلامی، ادبیات، مدیریت فرهنگی و مباحث علمی هشتاد اثر دارد. یکی از آثار برجسته ایشان شرح نهج‌البلاغه در زبان فارسی است. این اثر در میان شرح‌های متعددی که در عصر حاضر بر نهج‌البلاغه نوشته شده، یکی از مهمترین شروح است. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤالات از دیدگاه علامه تقی جعفری و با تأکید بر کتاب شرح نهج‌البلاغه است که ثواب و عقاب چیست و رابطه بین عمل و ثواب و عقاب چگونه است.

کتاب‌ها و مقاله‌هایی به صورت تک‌موضوعی و از دیدگاه برخی اندیشمندان به مبحث ثواب و عقاب پرداخته‌اند مانند تناسب ثواب و عقاب از عبداللهی، ملاک اعطای ثواب بر اعمال از محسن خوش‌فر، حقیقت و ویژگی‌های ثواب و عقاب با تأکید بر مکتب خواجه نصیرالدین از خلیل امیری فرد و پاداش و کیفر در قرآن از صدیقه موحد. کتاب‌های کلامی موجود نیز در مورد حقیقت و ویژگی‌های ثواب و عقاب به صورت مختصر و غیرجامع بحث کرده‌اند. در مورد ماهیت ثواب و عقاب از منظر علامه جعفری، کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای یافت نشد و مقاله پیش‌رو از این نظر از مباحث نو به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر به روش توصیفی، مباحث مفهوم‌شناسی ثواب و عقاب، تبیین ماهیت ثواب و عقاب براساس رابطه علی و معلولی بین عمل و ثواب و عقاب و تجسم اعمال در زندگی دنیوی و اخروی انسان را بررسی می‌کند. ماهیت ثواب و عقاب در دو قالب رابطه علی و معلولی بین عمل و ثواب و عقاب و رابطه تجسم اعمال با ثواب و عقاب تبیین می‌شود.

به نظر می‌رسد، علیت عام است و تأثیرگذاری همه علت‌ها از خدا و غیرخدا، علت مجرد و مادی، علت انسانی و غیرانسانی، عمل و غیرعمل، عمل اختیاری و غیراختیاری بر معلول است. همچنین رابطه علیت، نسبت به همه معلول‌هاست: پیدایش جهان، پیدایش حوادث جهان، تغییرات جهان، کارهای اختیاری و غیراختیاری انسان. تجسم، تنها مربوط به انسان و کارهای اختیاری انسان است. همچنین می‌توان گفت که تجسم، نتیجه قانون علیت است؛ یعنی تأثیر عمل به شکل معلول، تجسم است. در مجموع، شاید دو تعبیر و دو روش مختلف باشد. در روش اول، چیز جدیدی به دلیل عمل انسان ایجاد می‌شود و در روش دوم، یک فعل مجسم می‌شود، ولی نتیجه در آنها یکی است. در قانون علیت، انسان مانند علت در پیدایش معلول یعنی، ثواب یا عقاب نقش دارد و در تجسم اعمال، کارهای انسان به صورت ثواب و عقاب مجسم می‌شود، پس دو راه مختلف است و انسان به این دو راه و روش به ثواب می‌رسد یا به عقاب گرفتار می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. ثواب در لغت

ثواب از ماده تاب، یتوب و در لغت به معنای بازگشت بعد از رفتن است (تاب به معنی عاد و رجوع). ثواب به معنای جزاء الطاعه نیز آمده و مثوبه نیز به همین معناست. (جوهری، ۱۳۸۷) ثواب هم در خیر و هم در شر است، اما در خیر اخص است و بیشتر به کار رفته است (ابن منظور، ۱۹۹۷، ۱/۲۴۳).

۲-۲. ثواب در اصطلاح

ثواب عبارت است از منفعت و سودی که عاید انسان می‌شود و کسی که این صفت را دارد شخص مستحق آن است و این صفت همراه با تعظیم، تکریم و گرمی‌داشت است. (محمدی، ۱۳۷۸) از دیدگاه علامه تقی جعفری ثواب، رحمت و فیض و لطف خداوندی است که براساس وعده‌ای که داده است پاداش نیکوکاری بندگان اوست (جعفری، ۱۳۵۷، ۲۷/۱۱۰).

۲-۳. عقاب در لغت

عقاب، عقوبت و معاقبه مخصوص عذاب و به معنی جزا دادن شخص به دلیل عمل بد اوست. (ابن منظور، ۱۹۹۷، ۱/۶۱۹)

۲-۴. عقاب در اصطلاح

عقاب و کیفر عبارت است از: ضرر و زیانی که در قیامت به انسان می‌رسد و دو صفت دارد: شخص کاری در دنیا کرده است که استحقاق این ضرر را دارد؛ این زیان‌رسانی همراه با کوچک شمردن و توهین کردن به شخص است. (محمدی، ۱۳۷۸) از دیدگاه علامه جعفری، عقاب یا عذاب زمانی است که خطایی از بنده صادر شود و او توبه نکند (جعفری، ۱۳۵۷، ۱۱۱/۲۷). معنای ثواب و عقاب یا کیفر و پاداش جز بروز نتایج گفتار و کردار اندیشه‌ها و واقعیات رسوب شده در روان چیز دیگری نیستند. آیات قرآنی که این حقیقت را گوشزد می‌کنند فراوان است مانند (آیه ۳۹ و ۴۰ سوره نجم) «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ؛ و نیست برای انسان مگر کوششی که انجام داده است و به زودی کوشش او دیده خواهد شد» (محمدی، ۱۳۷۸).

۲-۵. علت و معلول

علت در لغت به معنی چیزی است که اگر بر امری عارض شود حالت آن را به طور بی‌اختیار تغییر می‌دهد. (صلیبا، ۱۳۶۶) معلول به معنای اثر و نتیجه است که از علت معینی به وجود آید و یکی از طرفین رابطه علیت است (صلیبا، ۱۳۶۶). در اصطلاح فلسفی اگر وجود الف و ب با یکدیگر مقایسه شود و مشخص شود که الف موجودی است که تحقق موجود دیگر یعنی، ب موقوف بر آن است و وجود الف را علت و وجود ب را معلول گویند (دغیم، ۱۹۹۸، ۸۰۱/۲). علامه طباطبایی در تعریف علت و معلول می‌گوید: «موجودی که فی‌الجمله متوقف علیه است را علت می‌نامیم و ماهیت که در وجودش بر آن موجود توقف دارد معلول آن علت است» (طباطبایی، ۱۳۹۰).

۳. تبیین ماهیت ثواب و عقاب

۳-۱. تبیین ماهیت ثواب و عقاب براساس رابطه علی و معلولی

قانون علیت که بر همه جهان حاکم است بین عمل و ثواب و عقاب هم وجود دارد. علامه جعفری درباره حاکمیت علیت بر جهان و انسان می‌گوید: «چون تمام اجزای طبیعت محکوم به قانون علیت است یا حداقل در تغییر است، پس هرگز نمی‌توان قانون علیت را از آن کنار زد» (جعفری، ۱۳۹۲). هر موجودی که سابقه نیستی یا کیفیتی غیر از کیفیت جدید دارد اگر وارد پهنه هستی شود بدون علتی که آن را به وجود بیاورد، امکان پذیر نیست. برعکس، هر موجود و حادثه‌ای که با اجتماع شرایط و مقتضیات و نبودن موانع به مرحله تولید معلول یا هرگونه تغییری برسد باید آن موجود و تغییر جدید وارد عرصه هستی شود (جعفری، ۱۳۹۲). انسان هم اگر معلولی را می‌خواهد نباید بدون به وجود آمدن علت، انتظار به دست آمدن آن را داشته باشد و به اصطلاح اگر گنج می‌خواهد، قانون اساسی دنیا این است که باید رنجی را متحمل شود. این مشقت و زحمت همانند عدل و لطف الهی است (جعفری، ۱۳۹۴).

۴. رابطه علی و معلولی بین عمل و نتیجه عمل در زندگی دنیوی انسان

۴-۱. علیت بیرونی

۴-۱-۱. وجود رابطه علیت بین عمل و نتیجه بیرونی آن

قانون علت و معلول چنان که در پهنه جهان عینی حکم فرماست همچنان در کردار و اندیشه انسان‌ها نیز حکومت می‌کند. کردار و اندیشه صحیح نتیجه صحیح را به دنبال دارد و اندیشه و کردار باطل نتیجه باطل را به وجود می‌آورد. این تبعیت نتیجه از مقدمات و به دنبال کشیدن علت معلول، قانونی است الهی که در هر دو قلمرو انسان و جهان بدون استثنا در جریان است. (جعفری، ۱۳۹۲، ۳۸۰/۱۴) علامه جعفری بر این باور است که قانون علیت بر جهان حاکم است. وی می‌گوید: «مسلم است که در هیچ یک از شئون و رویدادهای کلی و جزئی بشری چه در حال فردی و چه در حال دسته جمعی، چه در گذشته و چه در آینده نمی‌توان حتی به نقطه‌ای دسترسی پیدا

کرد که تصادفی باشد و علت به وجود آورنده‌ای نداشته باشد. در آیات قرآنی هم درباره این حقیقت که رویدادها و حرکات بشری جریان پیدا می‌کند بارها گوشزد شده است» (جعفری، ۱۳۹۰).

در اینجا، چهار نمونه از این نوع علت بیان می‌شود که دو مورد، مصداق عمل و نتیجه خیر (ثواب دنیوی) است و دو نمونه مصداق عمل و نتیجه شر (عقاب دنیوی) است:

- عمل صالح؛ علت حیات طیبه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن درحالی که مؤمن است او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد» (نحل: ۹۷). این حیات طیبه است که برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، فلسفه به وجود می‌آورد و هدفی برای آن نشان می‌دهد؛ زیرا خود انسان سازنده این زندگی است. (جعفری، ۱۳۸۴)

- رعایت تکالیف و حقوق و توبه؛ علت خیر و رحمت و نعمت: خداوند سبحان توبه را سبب فراوانی روزی و رحمت بر مخلوقاتش قرار داد و فرمود: «وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْاسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَ رَحْمَةً الْخَلْقِ فَقَالَ سَبْحَانَهُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ وَ اسْتَقَالَ حَاطِئَتَهُ وَ بَادَرَ مَمِيئَتَهُ؛ از پروردگارتان طلب مغفرت کنید، قطعاً او بخشاینده است. از آسمان برای شما خیر کثیر می‌فرستد و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند و برای شما باغ‌ها و چشمه‌سارها قرار می‌دهد، پس خدا رحمت کند کسی را که روی به توبه آورده طلب عفو از گناهان خود نماید و با احساس و انجام تکالیف و ایفای حقوق مقرره آماده پیشباز مرگ گردد» (جعفری، ۱۳۸۴)

- عمل نادرست؛ علت فساد در خشکی و دریا: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ فساد در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند شاید بازگردند» (روم: ۴۱). (جعفری، ۱۳۸۴)

- ستم و ستمکاری؛ علت کیفرهای دنیوی و دوری از حیات معقول: باتوجه به سرگذشت بشر در طول تاریخ، ناچیزترین حادثه‌ای پیدا نمی‌شود که معلولی را به دنبال خود نیاورده باشد. برای مثال در این زنجیر رویدادها می‌توان حلقه‌های ظلم و تجاوز به حقوق و حیات دیگر انسان‌ها را نام برد که معلول خود را که حلقه‌های متنوع کیفرهاست به دنبال خود می‌کشد و آنها را راهی سیه‌چال سقوط می‌کند. (جعفری، ۱۳۵۷، ۳۸۰/۱۴) ستم و ستمکاری، انحراف از حیات معقول است و این انحراف به قدری مورد غضب الهی است که کیفر آن را در همین دنیا به ستمکاران می‌چشاند. این غضب و کیفر از بابت ناخوشایند بودن ستم و ستمکاری بر ذات پروردگار نیست، بلکه نتیجه خود ستم و ستمکاری، کیفری معین است و مانند معلول به دنبال علت خود به جریان می‌افتد. براین اساس، مقصود از کلمه غضب، قهر و مانند آنها در آیات قرآنی جز این نیست که مورد غضب، حلقه‌ای در زنجیر عالم هستی و حیات انسانی وارد کرده است که خلاف اراده تشریحی خداوندی در جهان هستی است (جعفری، ۱۳۸۴).

۴-۲. علیت درونی

۴-۲-۱. رابطه علیت بین عمل و نتیجه درونی آن

انسان‌ها باید بدانند که جریان قانون الهی چنان‌که در جهان برونی حکم‌فرماست در درون انسان‌ها نیز بدون استثنا حکومت مطلقه دارد. همان‌طور که در جهان برونی هر علتی معلولی به وجود می‌آورد درون انسان‌ها نیز محکوم این قانون است. وجدان انسان آن عامل فعال است که بدون توقف و با تأثیر پذیرفتن در برابر تمایلات، وظیفه خود را که عبارت از راهنمایی، داوری و غیر آن است، انجام می‌دهد. (جعفری، ۱۳۹۳) در اینجا، چهار نمونه از این نوع علیت بین عمل و نتیجه شر (عقاب دنیوی) بیان می‌شود:

اول) خودخواهی و بی‌اعتنایی به وجدان؛ علت سقوط وجدان و دوری از حیات معقول: به نظر علامه جعفری، ترجیح تمایلات و غوطه‌ور شدن در شهوات و خودخواهی‌ها، عللی است که سقوط وجدان را از فعالیت در قالب معلول به دنبال خود می‌آورد. (جعفری، ۱۳۹۳)

دوم) سقوط وجدان؛ علت محرومیت از درک و شناخت: سقوط وجدان از فعالیت بنا به سرکوبی آن مانند بازماندن عقل از فعالیت در صورت بی‌اعتنایی به آن، مواردی از همان قانون علیت است که در همه اجزا و روابط جهان هستی حکم فرماست. بنابراین، ختم بر دل‌ها که عبارت از مهر کردن و خاتمه دادن به فعالیت‌های آنهاست همان محرومیت اختیاری از درک و شناخت است که مردم تبه‌کار در خود به وجود می‌آورند. (جعفری، ۱۳۹۳)

سوم) بی‌شخصیتی؛ علت فساد و بی‌تقوایی: کسی که شخصیت ندارد موضوعی برای ترکیه و سازندگی آن ندارد. چنین شخصیتی نیازی به تقوا و خویش‌داری نمی‌بیند که شخصیت خود را از منجلاب فساد و ستمگری محفوظ بدارد. همین باعث می‌شود که او بیشتر و بیشتر در فساد غوطه‌ور شود و گریبان روحش را پس از جدایی از کالبد تن به دست گیرد و زهر خود را به کام او می‌ریزد. (جعفری، ۱۳۵۷، ۳۸۰/۱۴)

چهارم) شکستن پیمان الهی؛ علت لعنت خدا و قساوت قلب: «علامه جعفری با استفاده از آیه «فِيمَا نَقُضِيهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» بدان دلیل که پیمان‌های خود را شکستند بر آنان لعنت نمودیم و در دل‌های آنان قساوت قرار دادیم» (مائده: ۱۸) این مطلب را بیان می‌کند که قانون علت و معلول در کردار و اندیشه انسان هم حاکم است. وی تأکید می‌کند که نباید از جمله «در دل‌های آنان قساوت قرار دادیم» چنین استنباط کرد که خدا قساوت را به‌طور اجبار در دل‌های آنان به وجود آورده است، بلکه این جمله مانند آیه «حَتَّمَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ؛ خداوند بر دل‌های آنان مهر زده است» (بقره: ۷) نتیجه کردار تبه‌کاران را بیان می‌کند. (جعفری، ۱۳۵۷، ۳۸۰/۱۴)

۲-۲. رابطه علی و معلولی بین عمل و ثواب و عقاب در زندگی اخروی انسان

رابطه علی و معلولی در زندگی اخروی انسان هم وجود دارد. رابطه این دنیا با جهان آخرت رابطه علی و معلولی است که انسان هرچه را در این دنیا انجام می‌دهد نتایج آن را در آخرت می‌بیند.

اول) شناخت و رابطه درست با زندگی و مرگ؛ علت حیات ابدی

از دیدگاه علامه جعفری هیچ حقیقتی در این دنیا به اهمیت زندگی و مرگ برای فرزندان آدم وجود ندارد. موضوع چنین نیست که با شناخت زندگی و مرگ و تصحیح رابطه با آن دو ابدیت انسان به طور اتفاقی تأمین می‌شود، بلکه می‌توان گفت بدان دلیل که رابطه زندگی این دنیا با حیات ابدی شبیه به رابطه علت و معلول است، پس بدون شناخت و اصلاح علت، توقع شناخت و اصلاح معلول، مخالف حکم بدیهی است. (جعفری، ۱۳۹۲)

دوم) سبقت در نیکی‌ها؛ علت بهشت ابدی

فردوس (بهشت)، ابدیت سعادت‌آمیز، شمول لطف الهی و نعمت عظمای لقاءالله است که از تکاپوها و تلاش‌های جدی انسان در این دنیا که میدان مسابقه در به دست آوردن نیکی‌هاست، حاصل می‌شود. (جعفری، ۱۳۹۴)

سوم) ایمان و عمل صالح و تقوا؛ علت زندگی پاک و بهشت ابدی و لقای الهی

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ کسی که اعمال صالح انجام دهد خواه مرد باشد یا زن درحالی که ایمان داشته باشد داخل بهشت می‌شود و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد». (نساء: ۱۲۴) در این آیات، دسترسی و وصول به اجر و زندگی پاک و دخول به بهشت، معلول عمل صالح است و شکی نیست که بین ایمان و عمل صالح و دخول در بهشت رابطه طبیعی و حقیقی برقرار است نه رابطه اعتباری؛ یعنی هر جا ایمان و عمل صالح با شرایط مشخص تحقق یابد دخول در بهشت را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، ایمان و عمل صالح در سلسله علل دخول در بهشت هرچند جزءالعله قرار دارد (جعفری، ۱۳۸۴).
علامه جعفری می‌گوید: «ایمان و عمل صالح و حیات با تقوا، بهشت ابدی را به عنوان نتیجه‌ای که خدا وعده فرموده است به دنبال دارد» (جعفری، ۱۳۹۲). «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ مردم باتقوا در باغ‌های بهشتی و چشمه‌سارها هستند. آنان در جایگاه صدق و صفا، نزد مولا و مالک توانا قرار خواهند گرفت» (قمر: ۵۴).

چهارم) کلمه حق؛ علت بهشت

خداوند در آیه ۸۵ سوره مائده می‌فرماید: «فَأَنبَأَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ؛ خداوند به آنان به پاس گفتن (کلمه حق) پاداش بهشت‌هایی می‌دهد که از بن آنها نهرها روان است و در آن جاودان‌اند و این پاداش نیکوکاران است». (جعفری، ۱۳۸۴)

پنجم) بیهوده دانستن زندگی؛ علت دوزخ ابدی

دوزخ، رنج بیهوده انسان نیست، بلکه رنجی است که بنا به بیهوده تلقی کردن زندگی نصیب انسان‌ها می‌شود. دوزخ، آتشی است که انسان با دست خود به خرمن حیات خود زده است. آتش به دو دست خویش در خرمن خویش من خود زده‌ام، کرا کنم دشمن خویش؟ روزی که شود معرکه‌ها نزد خدا ای وای من و دست من و دامن خویش این، همان شعله‌ای است که زبان‌هایش در ابدیت، دوزخ نامیده می‌شود. (جعفری، ۱۳۹۴)

ششم) کفر و عمل زشت؛ علت عذاب الهی

علامه جعفری می‌گوید: «کفر و ارتکاب زشتی‌ها، عذاب الهی را که آن هم نتیجه اعمال خود انسان است به دنبال دارد». (جعفری، ۱۳۹۲) بنابراین، می‌توان گفت که کفر و عمل زشت نیز نتیجه و علت عذاب است.

۳-۴. تبیین ماهیت ثواب و عقاب براساس تجسم اعمال

یکی از مباحث مربوط به ماهیت ثواب و عقاب، تجسد اعمال یا تجسم اعمال است.

۱-۳-۴. تجسم اعمال در لغت

تجسم مشتق از کلمه جسم است. جسم عبارت است از هر چیزی که در مکانی مستقر شود یا حرکت کند و محسوس باشد اعم از انسان و حیوان و نبات و غیره. (مصطفوی، ۱۳۶۷، ۸۸/۲)

۲-۳-۴. تجسم در اصطلاح

تجسم اعمال به معنای به شکل جسم و پیکر درآمدن موجودات غیرمادی مانند عقاید، اخلاق و اوصاف، افعال و آثار انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ۴۷/۵) علامه جعفری می‌گوید: «روح

آدمی پس از مفارقت از بدن و قطع علایق مدیریت که به حالت فراغت می‌رسد و خویشتن را درمی‌یابد اگر در این دنیا اهل فضیلت و اخلاق و اوصاف نیکو بود با تجسم و مشاهده آنها پس از مرگ درحقیقت وارد بهشت خویشتن می‌گردد و اگر دارای صفات و اندوخته‌های بد و ناشایست بوده باشد با تجسم و مشاهده آنها وارد دوزخ خویشتن می‌شود» (جعفری، ۱۳۸۶، ۱۶/۱۱). علامه جعفری برای اثبات نظریه تجسم اعمال در دنیا و آخرت به ادله عقلی و نقلی استناد کرده است که عبارتند از:

اول) دلیل عقلی

الف) ثبات و پایداری شخصیت

علامه جعفری می‌گوید: «هرچیزی که وارد شخصیت آدمی شد به‌ویژه آن اموری که نفوذ بیشتر در اعماق شخصیت داشته باشد فناپذیر نخواهد بود مگر اینکه انسان پس از ارتکاب کار زشت توبه کند یا کاری نیکو انجام بدهد که اثر کار زشت محو می‌شود و بالعکس؛ یعنی انسان پس از انجام کار خوب، چنان کار زشتی را انجام بدهد که اعمال نیکو را محو کند. اگر در این مورد اعتراض شود که اعمال و نیت‌ها و سخنانی که از ما صادر می‌شوند پدیده‌هایی هستند که حادث می‌شوند و از بین می‌روند نمی‌توان گفت که این پدیده‌ها در درون ما پایدار می‌مانند. پاسخ این اعتراض با نظر به ثبات و پایداری خود شخصیت در امتداد عمر بسیار روشن است. این شخصیت پایدار است که توانایی ثابت نگاه داشتن آن پدیده‌ها را دارد. اگر شما حتی در آغاز دوران رشد مرتکب جنایتی بشوید، پس از گذشت نود سال و صد سال، همان‌گونه که خود شما درک می‌کنید که شما هستید که مرتکب جنایت شده‌اید همه انسان‌ها و مقامات مانند مقام قضایی نیز شخص شما را مرتکب جنایت می‌دانند و بالعکس، اگر شما در همان دوران کار خوب انجام داده باشید مثلاً یک بیمار مشرف به مرگ را معالجه کرده‌اید یا یک انسانی را که غرق می‌شد از مرگ نجات داده‌اید، پس از گذشت سالیانی فراوان از عمر، همان‌گونه که خود شما می‌دانید که شخصیت فعلی شماست که دارای صفت حیات بخشی است دیگر انسان‌ها و مقامات نیز شخصیت فعلی شما را دارای صفت حیات بخشی

تلقی می‌کنند. به همین ترتیب، شخصیت آدمی همه اندوخته‌های خود را در روز قیامت ابراز می‌نماید به طوری که هرکسی حساب خود را بررسی می‌کند». (جعفری، ۱۳۵۷، ۲۱/۲۷۱)

ب) بقای نفس و تأثیر متقابل نفس و عمل

مهمترین دلیل عقلی در اثبات نظریه تجسم اعمال، نظریه بقای نفس و تأثیر متقابل عمل و نفس است که مورد تأیید علامه طباطبایی هم هست. (جعفری، ۱۳۵۷، ۲۰/۱۳۱) این تأثیر را می‌توان با استفاده از دیدگاه علامه طباطبایی و در قالب تأثیر یا تجسم درون در بیرون و برعکس تبیین کرد. تجسم درون در بیرون: در علم اخلاق که درباره ملکات نفسانی انسان بحث می‌کند رابطه متقابل عمل و نفس ثابت شده است که به مقتضای آن، هر فعلی که از انسان سر بزند و شکل مستمری به خود بگیرد ارتباط عمیقی با احوال و ملکات درونی او دارد و از سرچشمه صفات نفسانی او تراوش می‌کند؛ یعنی افعال و حرکات ظاهری انسان نشئت گرفته از ملکات درونی اوست و شخص، ماهیت درونی و باطنی خود را در اعمال ظاهری‌اش بروز می‌دهد. برای مثال، تفاوت‌های بنیادینی که در حرکت‌های ظاهری یک شخص ترسو که با بهت زدگی، دلهره داشتن و لرزیدن همراه است و عملکرد یک شخص شجاع که با اعتماد به نفس بالا، آرامش، مصمم بودن توأم است نشان از تفاوت در ملکه وجودی آنها دارد که به صورت مناسب خود بروز می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱/۱۸۳)

تجسم بیرون در درون: هر عملی که از انسان صادر می‌شود به نوبه خود اثری از آن عمل در نفس باقی می‌گذارد. این اثر ابتدایی در صورتی که تکرار نشود از آن بانام حال یاد می‌شود که پس از مدت کوتاهی از بین می‌رود و در صورت تکرار، عمل تبدیل به ملکه می‌شود و مدت زمان طولانی‌تری بر روی نفس باقی می‌ماند و اگر این تکرار عمل شدت یابد همان ملکه با ذات و نفس شخص یکی می‌شود به صورت جوهر وجودی او درمی‌آید و در نهایت به صورتی ملکوتی یا برزخی تبدیل می‌شود. حال اگر این صورت ملکوتی در نتیجه اعمال نیک پدید آمده باشد صورت سعیده‌ای خواهد بود که موجب لذت و تنعم شخص می‌شود و اگر در نتیجه اعمال بد حاصل شده باشد

صورت شقيه‌اي خواهد بود که شخص به موجب آن دچار عذاب و نعمت می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱/۱۸۳)

دوم) دليل نقلی

ثواب و عقاب اعمال خوب یا بد انسان‌ها چیزی جز آن اعمال نیست و میان اعمال انسان‌ها و عواقب آنها رابطه تکوینی برقرار است و عامل ثواب و عقاب‌دهنده خارجی درکار نیست. برای مثال اگر در برابر گناهی، آتش دوزخ و در برابر کار نیکو نعمات بهشتی وعده داده شده است آن آتش و نعمات بهشتی چیزی جدا از آن گناه و کار نیکو نیست، بلکه حقیقت آن است که تمثیل پیدا می‌کند و به شکل آتش و نعمات بهشتی نمایان می‌شود. قرآن تجسم اعمال در قیامت را یکی از بخش‌های مهم پاداش و کیفر می‌داند. اعمال و رفتار نیک و بد این جهان در رستاخیز به صورت موجودات مستقلی درکنار انسان خواهند بود و هر کاری به شکل متناسب خود مجسم می‌شود. برخی از آیاتی که بر تجسم اعمال دلالت می‌کنند عبارتند از: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيُضْلَوْنَ سَعِيرًا؛ آنان که مال یتیمان را به ستمگری می‌خورند درحقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرومی‌برند و به زودی به دوزخ در آتش فروزان خواهند افتاد» (نساء: ۱۰). این آیه را می‌توان صریح‌ترین آیه دال بر تجسم اعمال در جهان آخرت دانست. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱/۴۲۶)

علامه جعفری هم برای اثبات تجسم اعمال به آیات قرآن استناد کرده است. از دیدگاه علامه، آیاتی باصراحت کامل این مطلب را روشن می‌کند که انسان‌ها تجسم یافتن همه کارهای خود را در ابدیت مشاهده خواهند کرد. از آن جمله: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ روز قیامت روزی است که هرکسی کاری را که از خوب و بد انجام داده است، حاضر می‌بیند. کسی که کارهای بد انجام داده است، می‌خواهد میان او و کارهای بد فاصله زیادی باشد که آنها را نبیند و خدا شما را درباره خود برحذر می‌دارد و خداوند به بندگان خود مهربان است» (آل عمران: ۳۰)؛ «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ؛ و برای انسان جز کار و کوششی که انجام داده است،

نمی ماند و قطعاً کوشش او دیده خواهد شد» (نجم: ۳۹ و ۴۰): «إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ؛ خداوند به گرداندیدن انسان تواناست. روزی که همه مخفی شده‌ها در درون، آشکار و مورد محاسبه قرار می‌گیرد» (طارق: ۸). علامه بیان می‌کند که روایات معتبری هم درباره تجسم اعمال وارد شده است که آیات مذکور را تفسیر می‌کند. نوع دیگری از روایات وارد شده است که کیفیت شکل اشخاص بدکار را در روز قیامت مانند حیوانات توضیح داده است (جعفری، ۱۳۸۶، ۴/۴۵)؛ «يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أُمَّتَاتًا لِّبُرُوْا أَعْمَالَهُمْ؛ در روز قیامت مردمان در حال پراکنده از گورها بیرون می‌آیند تا کارهای خود را ببینند» (زلزال: ۶).

۴-۳-۳. تجسم اعمال در زندگی دنیوی انسان

دقت در آیات و روایات نشان می‌دهد که برای بیان جزا و اثر عمل، آن را با افعال مضارع و با حقیقتی کلی بیان می‌کنند. این می‌تواند نشانه این معنا باشد که عمل در همین دنیا تجسم پیدا می‌کند، اما برای کسانی که چشم حقیقت بین دارند، آشکار است. دانشمندان معتقد هستند که اعمال و ملکات انسان از خوب و بد در همین دنیا تجسم پیدا می‌کند، ولی چون انسان دیده بصیرت ندارد، نمی‌تواند آن را ببیند. (قربانی، ۱۳۷۲) صدرالمتألهین در این زمینه می‌نویسد: «بعضی از اهل مکاشفه و شهود گفته‌اند: هرکس پرده از چشم دلش برطرف شود و به چشم دل، باطن خود را در دنیا ببیند مشاهده خواهد کرد که پر از انواع حیوانات موزی و جانوران درنده است که نزد او مجسم می‌شوند مانند صورت خشم و شهوت و کینه و حسد و کبر و خودپسندی و تظاهر به نیکوکاری؛ زیرا هریک از این چیزها صورتی در باطن دارد، همچنان که صورتی در دنیا دارد، ولی صورت دنیایی آن به دیگر چیزها پوشیده و در ماده فرورفته و به علت بازدارندگان خارجی از تأثیر آن جلوگیری شده است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶).

اول) تجسم بی‌مسئولیتی؛ عذاب درون

بسیاری از خردمندان با شخصیت تاریخ پذیرفته‌اند که مخالفت عمدی با هر مسئولیتی به‌ویژه در آن موارد که عوامل آن مسئولیت ریشه در درون داشته باشد عذابی در عالم درون به‌وجود می‌آورد و مادامی که با جبران آن مانند توبه اثر مخالفت آن از بین نرود گریبان او را برای ابد می‌فشارد، البته

ممکن است اشتغالات و علایق دنیوی نگذارد که گناه کار آن عذاب را در حال حاضر احساس کند».

(جعفری، ۱۳۵۷، ۲۷/۳۲۱)

دوم) تجسم غیبت: خوردن گوشت مرده

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضاً أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ؛

نباید بعضی از بعض دیگر غیبت کند. آیا هیچ کدام از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را

بخورد. طبعاً آن را نمی‌پسندید» (حجرات: ۱۱) روایاتی در این زمینه وارد شده است که می‌تواند

مؤید تجسم عمل در همین دنیا باشد: «عایشه می‌گوید: پیش رسول خدا ﷺ بودم. زنی که

پایین تنه‌اش بلندتر بود از جلو ما گذشت. گفتم: یا رسول الله! او چنین است. پیامبر ﷺ فرمود:

تف کن و ببینداز. من آب دهانم را انداختم، قطعه گوشتی افتاد».

۴-۳-۴. تجسم اعمال در زندگی اخروی انسان

اول) تحقق تجسم اعمال در آخرت

اعمال انسان، ظهور دیگری هم دارد که در آخرت نمایان می‌شوند و با آن عالم مناسب خواهد

بود. برای مثال اعمال نیکو به صورت بهشت و نعمت‌های آن و اعمال زشت به صورت جهنم و

عذاب‌های آن ظهور می‌کنند.

دوم) اثبات تجسم اعمال در آخرت

الف) تجرد و ابدیت نفس

در فلسفه اسلام جایی برای بحث از محال بودن اعاده معدوم باقی نمانده است؛ زیرا چیزی که

به وجود آمد اگرچه از دیدگاه دقیق حتی یک لحظه در یک حال نیست و دائم در تغییر و دگرگونی

است، ولی در شکل و یا هویت دیگری که مناسب آن است در پشت پرده طبیعت به وجود خود

ادامه می‌دهد. اساسی‌ترین دلیل ضرورت بقای اعمال و حرکات انسانی و نتایج آنها برای حساب

در روز قیامت، (ابدیت) نفس یا کیفیتی است که در این دنیا با اعمال و حرکات برای خود اندوخته

است. نفس انسانی به دلیل تجردی که دارد همه اعمال و حرکاتش را در خود دارد. یک نفس قاتل

درحقیقت عمل قتل را در خود دارد و آن عمل، نتیجه خود را در روز قیامت به شکل و کیفیت خاصی در نفس به وجود می آورد. (جعفری، ۱۳۸۴)

ب) ادامه عذاب اخروی تا تطهیر نفس

آثار گناہانی که هنگام رفتن از این دنیا از نفس انسانی ازبین نرفته است تجسم عینی با انواع وسایل زجر و شکنجه مانند آتش پیدا می کند و تا آنجا که هستی انسان گناه کار از قابلیت تطهیر ساقط نشده است آن را معذب خواهد کرد. «أَيُّهَا الْيَقِينُ الْكَبِيرُ الَّذِي قَدْ لَهَزَهُ الْقَتِيرُ، كَيْفَ أَنْتَ إِذَا التَّحَمَّتْ أَطْوَأُ النَّارِ بَعْظَامِ الْأَعْنَاقِ وَ نَشِبَتِ الْجَوَامِعُ حَتَّى أَكَلَتْ لُحُومَ السَّوَاعِدِ؛ ای کهنسال فرتوت که پیری و سستی در وجودت درهم آمیخته است چگونه خواهد گشت حال تو موقعی که طوق های آتشین دور استخوان های گردنت بیچد و زنجیرهای گرانباری در اعضای تو جای گیر شود تا بازوان تو را نابود سازد» (نهج البلاغه، بی تا، خطبه ۱۸۳). کيفرهای دوزخی که خود تجسم اعمال زشت انسان است، می تواند جوانانی به نیرومندی تمامی نیروی طبیعت را درهم بشکند چه رسد پیران فرتوتی را که موقع خروج از این دنیا نیروهای خود را از دست داده اند (جعفری، ۱۳۵۷، ۳۱۷/۲۷).

ج) تجسم اعمال به صورت بهشت و دوزخ

روح انسان پس از مفارقت از بدن و قطع علایق مدیریت که به حالت فراغت می رسد و خویشتن را درمی یابد اگر در این دنیا اهل فضیلت و اخلاق و اوصاف نیکو بود با تجسم و مشاهده آنها پس از مرگ وارد بهشت خویشتن می شود و اگر صفات و اندوخته های بد و ناشایست داشت با تجسم و مشاهده آنها وارد دوزخ خویشتن می شود. (جعفری، ۱۳۵۷، ۱۶/۱۱)

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بود که ماهیت ثواب و عقاب براساس علیت و تجسم اعمال چیست. براین اساس، پس از بررسی دیدگاه علامه جعفری با تأکید بر شرح نهج البلاغه، یافته های تحقیق استخراج شد. موضعی که علامه جعفری درباره ماهیت ثواب و عقاب اتخاذ کرده آن است که ثواب و عقاب، معلول کردار انسان هاست و قانون علت و معلول که بر همه عالم حاکم

است در زندگی دنیوی و اخروی انسان هم جریان دارد. بنابراین، بین عمل و ثواب عقاب، رابطه علی و معلولی وجود دارد. کسی که مستحق ثواب یا عقاب می‌شود این ثواب و عقاب معلول کردار و اعمال انسان است؛ یعنی علت این ثواب و عقاب، اعمال خوب و بد انسان است. کسی که کار خوب انجام می‌دهد نتیجه خوب را به‌دنبال دارد و مستحق ثواب می‌شود و کسی که کار بد انجام می‌دهد نتیجه باطل به‌دنبال دارد و مستحق عقاب می‌شود چه در دنیا باشد یا آخرت. ازسوی دیگر، ثواب و عقاب، مجسم شدن اعمال انسان هاست که وقتی انسان کار خوب یا بد انجام می‌دهد این کار در درون انسان مجسم می‌شود و شاید انسان آن را در این دنیا احساس نکند، ولی در آخرت به شکل ثواب و عقاب ظاهر می‌شود. انسان با دو روش مختلف علی و معلولی و تجسم اعمال که خودش نتیجه قانون علیت است به ثواب یا به عقاب می‌رسد.

فهرست منابع

- * قرآن مجید (بی‌تا). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- * نهج البلاغه (بی‌تا). مترجم: فیض الاسلام، علی نقی. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- ۱. ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۹۹۷). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- ۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴). قرآن، نماد حیات معقول. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰). آفرینش و انسان. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۵. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۱). مجموعه آثار اعرافان اسلامی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۲). تحلیل شخصیت پیام. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۲). مجموعه آثار ۳: بررسی افکار دیوید هیوم و برتراند راسل. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۸. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳). مجموعه آثار ۴: معرفت‌شناسی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۹. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۴). مجموعه آثار ۶: چهار شاعر (خیام، نظامی، سعدی، حافظ). تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تفسیر موضوعی قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۱. الجوهري، اسماعيل بن حمار (۱۳۸۷). الصحاح. بیروت: انتشارات امیری.
- ۱۲. دغیم، سمیع (۱۹۹۸). مصطلحات علم الکلام الاسلامیه. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- ۱۳. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۶). شواهد الربوبیه. مترجم: مصلح، جواد. تهران: انتشارات صدا و سیما.
- ۱۴. صلیبا، جمیل (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. مترجم: صانعی دره‌بیدی، منوچهر. تهران: انتشارات حکمت.
- ۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

١٦. طباطبائی، سید محمد حسین (١٣٩٠). بدایہ الحکمہ. قم: مؤسسہ النشر الاسلامی.
١٧. محمدی، علی (١٣٧٨). شرح کشف المراد. قم: دارالفکر.
١٨. مصطفوی، حسن (١٣٦٧). تفسیر روشن. قم: سروش.

